



ماریا لوسیا جی. پالارس - برک

ترجمه‌ی

نرگس حسن‌لی و محمد‌هادی شاکری

تاریخ تو

اعترافات و مکالمات



ماریا لوسیا جی. پالارس - برک

ترجمه‌ی

نرگس حسن‌لی و محمد‌هادی شاکری

تاریخ نو

اعترافات و مکالمات



سرشناسه: پالارس-برک، ماریا لوسیا جی.،
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ تو؛ اعترافات و مکالمات / ماریا لوسیا جی، پالارس-برک؛ ترگیس حسن‌لی، محمدهادی
شاکری

مشخصات نشر: تهران، نشر بان، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۳۵۲ صفحه، ۱۳ در ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۴۲۶-۵-۹

و ضعیت فهرست نویسی: فیبا

پادداشت: عنوان اصلی: the New History: Confessions and Conversations
پادداشت: نمایه

موضوع: تاریخ‌نویسان — مصاحبه‌ها
موضوع: Interviews — Historians
موضوع: تاریخ نویسان — انگلستان — سرگذشت‌نامه

موضوع: Biography — Europe — Historians
موضوع: تاریخ — فلسفه

موضوع: Philosophy — History
هناسه آفروده: حسن‌لی، ترگیس، ۱۳۶۲

هناسه آفروده: شاکری، محمدهادی

ردی بندی کنگره: ۱۳۹۷، ۲۴، ۲/۱۴

ردی بندی دیوی: ۹۰۷۰۲۰۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۱۲۶۰۳

ماریا لوسیا جی، بالارس برک
تاریخ نو: اعترافات و مکالمات

ترجمه‌ی:
نرگس حسن‌لی و محمدهادی شاکری

چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: بهار ۱۳۹۸
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: دفتر نشربان (پریا اسماعیلی)
ویراستار: نسرین اسدی چفربی

شمارگان:
۱,۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی:
طاووس رایانه
چاپ:
منصور
صحافی:
کیاپاشا

مدیر هنری:
امید نعم الحبیب / استودیو ملی
 طراح گرافیک:
مهدی قاسمی

مرکز پخش:
انتشارات آگاه
خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و اردیبهشت
پلاک ۱۳۴۰، ۰۲۱-۶۶۴۶۷۳۲۳

فروش اینترنتی:
www.agahbookshop.ir و www.baan.pub

[@baanpublishers](https://instagram.com/baanpublishers)

۵۰,۰۰۰ تومان

کاغذ بالک، همراه طبیعت





فهرست

۹	مقدمه‌ی مترجمان
۱۳	مقدمه
۲۱	فصل یکم: جک گودی
۵۱	فصل دوم: ایسا بریگز
۷۵	فصل سوم: ناتالی زیمون دیویس
۱۱۵	فصل چهارم: کیت تامس
۱۴۹	فصل پنجم: دنیل روشه
۱۷۹	فصل ششم: پیتر برک
۲۱۹	فصل هفتم: رابرت دارنتون
۲۵۵	فصل هشتم: کارلو گینزبورگ
۲۹۱	فصل نهم: کوئنین اسکندر
۳۲۷	نمایه‌ی نامها

مقدمه‌ی مترجمان

این کتاب یک مقدمه و نه فصل دارد که در هر فصل، پیش از مصاحبه با یکی از مورخان مشهور و تأثیرگذار تاریخ نو در حوزه‌های مختلف، شرحی بر زندگی و آثار او آمده است. مؤلف و مصاحبه‌گر این کتاب، ماریا لوسیا جی. پالارس بِرک، خود مورخ توان‌مندی است که با هشیاری گفت‌وگو با این نه تاریخ‌نگار متفاوت را در مسیر نسبتاً مشابهی پیش می‌برد و قالبی برای مقایسه‌ی حرفة‌ای و روش‌شناسی این مورخان فراهم می‌کند. پالارس بِرک اهل برزیل است، پیش‌تر استاد دانشگاه سائوپائولو بوده و در حال حاضر در مرکز مطالعات امریکای لاتین کمبریج به پژوهش می‌پردازد. او با رویکرد طبیقی درباره‌ی تاریخ فرهنگی روشنگری اروپایی و تأثیر آن بر امریکای لاتین کار کرده است و درباره‌ی اندیشمند مشهور برزیلی دو کتاب با عنوان‌ی زیبترین فریبی: نظریه‌ی اجتماعی در مناطق حاره، با همکاری پیتر بِرک،

و امپراتور اندیشه‌ها: زیلبرتو فریری کنونی منتشر کرده است. تولید و بازتولید زمان: یک نمونه‌ی آنگلو-برزیلی از اوایل قرن نوزدهم و پیروزی شکست: رودیگر بیلدن، دوست فراموش شده‌ی زیلبرتو فریری از دیگر آثار او است.

از دید استنفورد دو گونه تاریخ وجود دارد: اول رویدادهای عینی مشخص در زمان و مکان معین و دوم چرخه‌ی حفظ، یادآوری و بازآفرینی آن رویدادها و تأثیر آن‌ها در مواجهه با رویدادهای کنونی. تاریخ نو: اعتراضات و مکالمات خوانشی از تاریخ اول در مواجهه با خوانش جبرگرایانه از تاریخ است. در این تاریخ به جای تمکز بر حوادث سیاسی، فعالیت‌های بشری در زمینه‌ی اجتماعی و اقتصادی کنکاش شده است و بیشتر به مردم می‌پردازد تا به شاهان. محوریت در آن بر رفتارهای انسانی، فارغ از تمکزگرایی تاریخ سیاسی، است. بازآفرینی وقایع تاریخی نه صرفاً به صورت یک شرح واقعه که درواقع تحلیلی از ساختارهایی تاریخی است که به‌وقوع آن وقایع منجر شده، و نظام وقایع نه یک چرخه‌ی محکوم به بازیابی، بلکه سیری از یک تجربه است که در زمینه‌ی اجتماعی و اقتصادی خود قابل بازآفرینی خواهد بود.

با نگاهی به سخن پیتر برک که «تاریخ بی‌طرف وجود ندارد و تاریخ تنها تاریخ زمان حال است»، درخواهیم یافت که این کتاب گویا ترین سند در تعریف تاریخ نو است؛ تحلیل مورخ، چشمی که تاریخ را دیده، ذهنی که آن را شناسایی کرده و زبانی که آن را بازگفته در بستر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و انسانی خویش به اعتراف نشسته است. در این کتاب برترین مورخان تاریخ نو با ترسیم تاریخ شخصیت، اندیشه و علایق خویش به تشریح شخصیت تاریخی خود و آن‌جهه از تاریخ دریافت‌هایند می‌پردازنند. بی‌شك خواندن این کتاب دورنمایی نو در برابر چشم علاقه‌مندان به مفهوم تاریخ نو خواهد گشود.

ترجمه‌ی این کتاب در قالب یک همکاری دوستانه آغاز شد و با مساعدت نشر پان به سرانجام رسید. ترجمه‌ی مقدمه و چهار فصل آخر بر عهده‌ی شاکری و ترجمه‌ی باقی فصل‌ها بر عهده‌ی حسن لی بوده است. در عین حال کوشیده‌ایم با بحث و وارسی مداوم بر سر موضوعات و اشخاص، تا حد امکان ترجمه‌ی یک‌دستی از این کتاب ارائه دهیم. در جای جای کتاب، بنا به ذات مصاحبہ، نام کتاب‌ها یا اشخاص به صورت خلاصه آمده است؛ نمایه‌ای از اسمای در پایان کتاب تهیه شده است که این نام‌ها را به صورت کامل به همراه ضبط انگلیسی آن در

۱۱ اختیار خواننده می‌گذارد. امیدواریم این کتاب در قالب کلیتی فراتر از مصاحبه و گفت‌و‌گو و به عنوان مقدمه‌ای بر موضوع و روش‌شناسی تاریخ نو خواننده شود.

ن. حسن‌لی و م. شاکری

پاییز ۹۷

مقدمه

نویسنده‌ی فرانسوی، آندره ژید (۱۸۶۹ تا ۱۹۵۱)، که به هم‌صحبتی در نوشتۀ‌هایش علاقه داشت تا به کمک آن اندیشه‌های غیرعلنی، مستقیم و شخصی را در آثارش بگنجاند، این کلمات را از زبان مصاحبه‌گر خیالی‌اش بیان کرده است: «خواننده‌ها راضی نیستند... من مقصرم؛ باید بهتر از شما سؤال می‌پرسیدم. همان‌طور که گفتید، اندیشه‌های شما را می‌شود در کتاب‌هایتان دید. وظیفه‌ی یک مصاحبه‌گر هجمه به حریم خصوصی است. فقط از این طریق می‌توان شما را واداشت تا درباره‌ی مسائلی حرف بزنید که خودتان به آن‌ها اشاره نکرده‌اید». [۱]

هدف من نیز از انجام این مصاحبه‌ها کمایش همین است. این که تمام مورخانی را که در این صفحات کنار هم جمع شده‌اند وادرار به آشکار کردن چیزهای کنم که خواندن کتاب‌هایشان بر ملا نمی‌سازد، یا از آن کتاب‌ها به‌وضوح قابل دریافت

نیست. آن‌ها را تشویق کنم تا تلویحات و مفروضات موجود در کارهایشان را، که در نتیجه تا حدی بیرون از دسترس خوانندگان است، مشخص کنند. همان‌طور که از لغت «مصاحبه‌گر»، مشتق از لغت قدیمی فرانسوی *entrevoir* — به معنی نظر اجمالی، بررسی محمول و گذرا یا درک و دریافتنی مبهم — برمی‌آید، گونه‌ای است سیال، مبتنی بر توافقی خودمانی که محصول نهایی آن نسبتاً ساختنیافته و غیرمنظم است. از این‌رو برخلاف مقالات کامل و منسجم دانشگاهی، مصاحبه را می‌توان گونه‌ای دید که تقریباً حد واسط میان فکر کردن و نگارش منظم است، گونه‌ای که می‌تواند در مسیر خود اندیشه‌ای را بفهمد، از این‌رو نه به عنوان بدیلی برای متون ساختنیافته که مکملی برای آن‌ها محسوب می‌شود. آن‌چه مصاحبه‌گر به خواننده ارائه می‌دهد، مجموعه‌ای از عکس‌های فوری است؛ تصاویری از آن‌چه مورخان در موقعیت‌هایی به‌خصوص و یا حتی لحظاتی خاص به آن‌ها فکر می‌کنند. فکر این که مورخان معروف بین‌المللی را در یک کتاب کنار هم بیاورم و با آن‌ها در مورد خودشان و کارهایشان گفت‌و‌گویی خودمانی داشته باشم تصادفی به ذهنم خطور کرد. هنگام انتشار ترجمه‌ی پرتفالی اثر رابرت دارتون — مورخ امریکایی — که در آن زمان به‌طور موقت در آکسفورد زندگی می‌کرد، از طرف ضمیمه‌ی فرهنگی روزنامه‌ی *ساکوپاولو* مأمور مصاحبه با او شدم. قرار شد به جای تمرکز بر کتاب ترجمه‌شده، بیشتر در مورد مفاهیم عمومی تر صحبت کنیم، به محض انتشار بخشی از این مقاله، تنی چند از همکاران، دانشجویان و دوستانم پیشنهاد کردند که مصاحبه‌هایی از این دست با دیگر مورخان، نه تنها برای کسانی که با کارهای ایشان آشناشی دارند و مشتاق درک بیشتر آن‌ها هستند، بلکه برای مخاطبان گسترده‌تر و مختلفی که علاقه‌ی اندکی به امور تاریخی دارند نیز مفید خواهد بود.

حقوقانی که در این کتاب هستند بدین علت انتخاب شده‌اند که از نظر همتایان‌شان در تخصص خود صاحب‌نظرند و جایگاهی والا را در آن‌چه تاریخ نو خوانده می‌شود از آن خود کرده‌اند. همه‌ی این افراد مورخانی برجسته، مبتکر و تأثیرگذارند که در زمینه‌ی تاریخ فرهنگی و اجتماعی — که اغلب نوآوری‌های تاریخ نو در آن مشخص‌تر است — مقام ویژه‌ای دارند. می‌توان این افراد را با آن‌چه بوردیو «گفتمان غالب»^۱ می‌نامد خطاب قرار داد؛ افرادی که در زمینه‌های

شخصی متنوع خود استانداردی را وضع کرده‌اند. حتی جک گودی، که بیشتر به عنوان مردم‌شناس شهرت دارد، یکی از چهره‌های اصلی تاریخ نو و سایش شده به‌خاطر استعداد و تهورش است. خلاصه‌ی کلام آن که تمام نه مورخ مصاحبه شده نه تنها حقیقتاً مبدع‌اند — هر مورخ خوبی بنا به تعریف مبدع است — بلکه خصوصاً در روش‌ها و نگرش‌های عقلانی خویش نیز مبتکرند. با وجود این، نمی‌توان منکر شد که بر اساس معیارهای درنظر گرفته شده می‌توانستیم مورخان بسیار دیگری را نیز انتخاب کنیم.

سؤالاتی که از این افراد پرسیده شد مشابه هم نبود، زیرا قصد از این کار بر ملاک‌کردن شخصیت پنهان در پس هر مورخ و فراهم‌آوردن فرصتی برای ایشان بود تا اندیشه‌ها و احساساتی را که معمولاً زیر فشار دقت افراطی اغلب متون دانشگاهی منکوب می‌شود ادا کنند. سوالات برای هر فرد جداگانه و در کل به گونه‌ای طراحی شد که پاسخ‌دهندگان را وادار به سخن‌گفتن در مورد مسیرهای طی شده در زندگی‌شان، نظرات فکری‌شان و معانی کارهای‌شان در درون و بیرون دانشگاه و اکنون آن‌ها در مقابل گرایشات عقلانی و جنبش‌های امروزی کنند. روش کار به این صورت بود که سوالات تا پیش از اعلام تمایل مصاحبه‌شوندگان برای آن‌ها ارسال نشد و تنها در یک مورد این قاعده نقض شد. باید اذعان کنم که استراتژی من طرح پرسش‌هایی مشابه از همه‌ی آن‌ها بود تا موافقت‌ها و مخالفت‌های ایشان با موضوعات و نگرش‌های تاریخی بیشتر مشخص شود، هرچند این رویکرد با اهداف بداهه‌پردازی، انعطاف‌پذیری و احترام به شخصیت‌های ایشان سازگار شده است. اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که در تمام موارد، در نظرات مخالف و موافق مصاحبه‌شوندگان، نام‌های مشهور خاصی به کرات آمده و اذعان شده است که این افراد در پیشرفت حرفه‌ای خود آن‌ها یا تمام مورخان تأثیرگذار بوده‌اند؛ در عین حال نام‌هایی هم غایب‌اند. درحالی‌که اغلب مصاحبه‌شوندگان بی‌اختیار به مارک بلوخ و یاکوب بورکهارت اشاره کرده‌اند، کوئنتین اسکینر تنها کسی بود که به تامس کوهن اشاره کرد؛ فقط کارلو گینزبورگ از نقدهای ادبی و زبان‌شناسی آورباخ و یاکوبسن یاد کرد و تنها اسکینر بود که فوکو را چهره‌ای مهم در تربیت یک مورخ دانست.

وقتی این مورخان در مورد کارهای‌شان سخن می‌گفتند، اغلب بی‌اختیار و اکنون‌هایی به مفاهیم کلی تاریخ‌شناسی بروز می‌دادند و هر کس می‌توانست آن‌ها

را در حال جدل با هم بر سر این مسائل تصور کند. اما از آن جا که قاعده‌تاً این امر امکان‌پذیر نبود، تلاش کردم ایراد را برطرف کنم، از این‌رو سعی کردم آن‌ها را با صحبت کردن به سمت موضوع بکشانم و حتی گاهی تلاش کردم تا طرحی از گفت‌و‌گو را نه تنها بین خودم و ایشان، که حتی بین خود مصاحبه‌شوندگان راه بیندازم. در چنین موقعی تلاش می‌کردم تا مکالمه را نه تنها به سوی سوالات خاص هر فرد که به سمت موضوعات کلی تری، که یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان یا همکاران او طرح کرده بود، هدایت کنم؛ این کار به زمان موجود برای هر کدام و تمایل‌شان به موضع‌گیری در مقابل موضوعاتی همچون تاریخ ذهنیت‌ها، خُردتاریخ، تاریخ از پائین، تاریخ تطبیقی، تاریخ زنان، ارتباط بین مردم‌شناسی و تاریخ و غیره بستگی داشت.

شخصاً تمام مصاحبه‌ها را خود انجام داده‌ام و در دو مورد — کیت تامس و دنیل روشه — همسرم پیتر برک که خود نیز یکی از مورخان مصاحبه‌شونده است همراه‌ایم کرده است. باید اعتراف کنم که کنجدکاوی ام تنها به بخش عقلانی مصاحبه‌شوندگانم محدود نمی‌شد، بلکه جنبه‌ی مادی‌تری هم مطرح بود. دنیل روشه، مورخ مد و متخصص فرهنگ البسه، چه می‌پوشد؟ آیا لقب لرد بریگز و سر کیت باعث می‌شود دارندگان این القاب متفاوت از دیگر آدمیان رفتار کنند؟ بازی کردن نقش یک روزنامه‌نگار در مقابل رایرت دارتنتون، که در زمان خود به عنوان روزنامه‌نگار و گزارشگر نیویورک تایمز مصاحبه‌گری برجسته بوده است، چقدر دشوار است؟

پاسخ‌های جداگانه‌ی مورخان و خود نه مصاحبه هم به‌طور قابل توجهی از نظر تطویل مطلب تفاوت داشت. این تفاوت اساساً ناشی از زمان صرف شده برای هر گفت‌و‌گو و ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود که به‌نوبه‌ی خود شخصیت آن‌ها و میزان صمیمت در لحن گفت‌و‌گو را تعیین می‌کرد. برخی از این افراد همچون جک گودی، کوئنین اسکینر و (به دلیلی کاملاً مشخص) پیتر برک چندین بار مرا ملاقات کردند که در مجموع بیش از هشت ساعت به طول انجامید؛ سایرین همچون ایسا بریگز را تنها دو بار و آن هم در مجموع دو ساعت ملاقات کردم. روحیه‌ی گشاده‌رو و بی‌تكلف جک گودی در کمپریج کاملاً متضاد با ملاحظه‌کاری بیش‌تر و اشتیاق کنترل شده‌ی کوئنین اسکینر بود. شوخ‌طبعی مؤدبانه و ظریف کیت تامس در آکسفورد با ذوق احساساتی و متھورانه‌ی کارلو گینزبورگ در بولونا برابری می‌کرد، و تقریباً به نظر می‌رسید که گویش آن‌ها به‌طور خاصی

می‌خواهد سرشناسی‌های متفاوت لاتین و انگلیسی را بازنمایاند. رابرт دارتون با طرز تکلم سرزنده‌اش، که با خنده‌های بلند قطع می‌شد، از آن دسته افرادی بود که تمایل بسیاری به سخن‌گفتن در مورد زندگی خانوادگی‌شان دارند و در این مورد تنها دوست و همکار پرینستونی او، ناتالی زیمون دیویس، بود که از وی پیشی می‌گرفت. ناتالی دیویس، تنها زن حاضر در این مصاحبه، شخصیتی به‌یادماندنی داشت. او — شاید به‌حاطر خصوصیتی کاملاً زنانه — حتی زمانی که در مورد موضوعات کاملاً علمی صحبت می‌کرد، در مورد تحقیقاتش و استعداد خدادادیش در بیان عواطف و احساساتش به ملایم‌ترین سخن می‌گفت. ایسا بریگز همیشه عجله داشت و کسی بود که پاسخ‌ها را سریع به زبان می‌آورد. از او می‌توان به عنوان رکترین و بی‌طرف‌ترین مصاحبه‌شونده نام برد. در این مورد او به دانیل روشه شباهت داشت، کسی که با لحن آرام، محترمانه و غیر مؤکدش، فروتنی شگفت‌اور و توجیه‌ناپذیری از خود به نمایش گذاشت. او که به‌تازگی در گروه اساتید برگزیده‌ی کلز دو فرانس — مؤسسه‌ی معروف بین‌المللی که در قرن شانزدهم تأسیس شد و در سال‌های اخیر چهره‌های برگسته‌ای همچون فرنان برودل، میشل فوکو، کلود لوی‌استراوس و پیر بوردوی را جذب کرده است — انتخاب شده بود، چهره‌ای را که از روشنفکران فرانسوی در اذهان است یکسره تغییر داد.

تبديل یک ابزار زبانی به نوشتاری مشکلاتی به همراه دارد. رونویسی تا چه اندازه تعابیر سخنان بر زبان رانده‌شده‌ی اصلی را در خود دارد؟ فقدان اشارات، حالات چهره، نگاه‌ها و الحان صدا تا چه اندازه آن‌چه را رونویسی شده است منحرف و آن را بیش‌تر در چار سوی برداشت می‌کند؟ شکی نیست که وقتی نتوانید اشارات سر و دست کاملاً ایتالیایی گینز بورگ را ببینید، سخن‌گفتن سریع و لحن ملایم ناتالی دیویس را بشنوید، تعجب را در سیمای اسکینر هنگام گوش دادن به سخنرانی سلیس خودش ببینید، بی‌شک چیزی را از دست داده‌اید. با این حال، زمانی که در حال ویرایش متنی بودم که کلمه‌به کلمه از روی مصاحبه‌ها رونویسی شده بود، تمام تلاشم این بود که نه تنها به اندیشه‌های گویندگان وفادار باشم، بلکه تا حد امکان حالات شخصی‌شان و لحن بیان مطلب را حفظ کنم. به این دلیل هر زمان که می‌خواستم لحن مؤکدی را که طی مکالمه شنیده بودم انتقال دهم و اندکی از طرز بیانی را که گه‌گاه رسا و احساساتی ادا می‌شد حفظ کنم، مجبور به استفاده از علامت‌های تعجب احتمالاً از آن میزانی که

اندیشه‌های بیان شده تأثیری نگذارد.

شرایط مصاحبه و رابطه‌ی بین مصاحبه‌کننده/مصاحبه‌شونده هم مشکلات خاص خودش را دارد. از قرن گذشته که انتشار مصاحبه‌ها به اقدام فرهنگی نسبتاً گسترده‌ای بدل شده، بی‌اعتمادی به مصاحبه و مصاحبه‌کنندگان موضوعی تکراری است و تاریخ مملو از مثال‌هایی برای بی‌علاقگی مصاحبه‌شوندگان به این کار است.^[۲] آن‌ها در عین حال که از پذیرش این نقش معذب‌اند، آن را قبول می‌کنند و بیشترشان — گاهی به دلیل منطقی — نسبت به توانایی مصاحبه‌کننده و حتی خود مصاحبه در نشان‌دادن منظور واقعی‌شان مشکوک‌اند. برای مثال، لویس کارول به‌واسطه‌ی «نفرتش از مصاحبه‌کنندگان» هرگز حاضر به مصاحبه نشد، درحالی‌که کانن دویل سوگند خورد که «هرگز دوباره مصاحبه‌کننده‌ای را به حضور نخواهد پذیرفت». هرچند افراد بسیار دیگری، همچون اج. جی. ولز، که از مصاحبه به‌عنوان «کاری طاقت‌فرسا» نام می‌برد و رو دیارد کیلینگ، که آن را کاری «غیراخلاقی» می‌دانست، وقتی ولز با استالین و کیلینگ با نویسنده‌ی امریکایی، مارک تواین، مصاحبه کردند، این نقش منفور را پذیرفتند. اخیراً پیدایش ضبطصوت وسیله‌ای را برای رهایی از نظرات مصاحبه‌کننده و تضمین صحت مصاحبه فراهم آورده است. از این‌رو به‌عنوان نمونه وارن بیتی بازیگر، رومن پلانسکی کارگردان و نخست وزیر سابق بریتانیا — مارگارت تاچر — بر ضبط مصاحبه از طرف خودشان اصرار داشته‌اند!^[۳]

چندین دهه پیش از این ود مهتا، نویسنده و روزنامه‌نگار، کتابی بسیار موفق

بر اساس مصاحبه‌هایی با چندین مورخ بریتانیایی، که در آن زمان درگیر منازعه‌ای بزرگ در مورد فرضیه‌های تاریخی بودند، منتشر کرد.^[۴] او برای آمادگی فکری بهتر و شناخت بیش‌تر آن‌ها به عنوان متفکران و اشخاصی عادی پیش‌تر در خانه‌ی خودشان با آن‌ها به صحبت می‌نشست. او به یاد می‌آورد که مکالمات همیشه هم دوستانه نبود؛ مثلاً یکبار با برخوردي از سوی ای. جی. بی. تیلور مواجه می‌شود که از آن به عنوان «کاری نیمه‌وقت» یاد می‌کند: همان‌طور که برای ترک خانه‌ی مرد مشهور سوار بر تاکسی می‌شده است، کنایه‌ای از او می‌شنود: «پس از این که به اندازه‌ی من با کتاب‌ها زندگی کردم، آن‌ها را به انسان‌ها ترجیح خواهی داد». ^[۵] در مصاحبه‌هایی که در اینجا جمع‌آوری شده‌اند هیچ اتفاق مشابهی رخ نداد، فضای تمام مصاحبه‌ها به‌غایت دوستانه، مؤدبانه و سرهار از شوخ‌طبعی بود. مسلمًا برخی از مورخان عصبی‌تر از دیگران بودند، بیش‌تر از بقیه نگران خطر ابراز اظهارات سرسی می‌شدند، کم‌تر تمايل به پاسخ‌گویی به سوالات بنیادی داشتند و بیش‌تر از دیگران خواهان بازیبینی دست‌نوشته‌ها به زبان اصلی یا نسخه‌های انگلیسی و پرتغالی می‌شدند. ^[۶] هرچند هیچ‌کدام نگران این مسئله نبودند که سخنان یا اندیشه‌هایش تحریف شود و وقتی پیش‌نویس زبان پرتغالی را بررسی کردند به‌ترتیب تغییراتی در آن اعمال شد. حتی کیت تامسِ بسیار محظوظ، که چندین بار با گفتن جمله‌ی «لطفاً این را ضبط نکنید» مصاحبه را قطع کرد، هم نخواست از فرصتی که برای تغییر گفته‌هایشان به او داده شده بود استفاده کند. اگر چه تعدادی از مصاحبه‌شوندگان در نسخه‌ی انگلیسی برخی عبارات را تصحیح کردند تا اندیشه‌های بیش‌تری بیان کنند.

مصاحبه‌های انجام‌شده بر اساس سن گویندگان مرتب شده است که جک گودی مسن‌ترین و کوتنتین اسکینر جوان‌ترین آن‌ها هستند. به نظر می‌رسد در میان تمام گزینه‌های موجود این ملاک دسته‌بندی برای نشان‌دادن شاغلان این حرفه که اساساً با گذشت زمان سروکار دارند، مناسب‌ترین حالت باشد، همچنین می‌تواند پیشرفت مقالات تاریخی را در چند دهه‌ی گذشته آشکار کند. هدف از مقدمه‌ای که در ابتدای هر مصاحبه آمده تنها فراهم کردن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای در مورد مورخان برای خوانندگان است، به این امید که در درک مصاحبه‌ی متعاقب مفید واقع شود. پس از هر مصاحبه فهرستی منتخب از تأییفات مصاحبه‌شوندگان وجود دارد.

در خاتمه، امیدوارم دخالت‌هایم به عنوان ویراستار — که سخنرانی‌ها را به متون

نوشتاری ترجمه کرده است — به خوانندگان این فرصت را بدهد تا با من در لذت این مکالمات هیجان‌آور و پربار سهیم باشند؛ مکالماتی که نشان دادند بدون دشواری و با خوش‌رویی و گشاده‌رویی هم می‌توان به جدیت و ژرف‌اندیشی رسید.

پادداشت‌های پایانی

1. *Interviews imaginaires*, Yverdon and Lausanne, Editions du Haut-Pays, 1943: 31.

۲. عنوان مقاله‌ای در *Idler* در دسامبر ۱۸۹۵ است که نشان می‌دهد چگونه مباحثات جنجالی به اینجا ختم می‌شود که «مصطفی‌جہنہ کنندہ موهبت است یا نفرین؟» این مقاله به نمایش نامه‌ای نوشتہ‌ی تی. تامس به نام مصطفی‌جہنہ (لندن، ساموئل فرنج، ۱۹۷۵) اشاره دارد که به فراز و نشیب‌های یک مصاحبه‌کننده در مصاحبه با «مردی بسیار مشهور» می‌پردازد که از به کار بردن ضبط صوت خودداری می‌کند و تمام مدت به نقض حرف‌هایش مشغول است.

3. C. Silvester, ed., *Interviews: An Anthology from 1859 to the present Day*, London Viking, 1993, 1-48.

4. Ved Parkash Mehta, *The Fly and the Fly-Bottle: Encounters with British Intellectuals*, London, Weidenfeld and Nicolson, 1961.

مهتا (متولد ۱۹۳۴) مؤلف هندی و ساکن امریکاست و ما او را با همکاری‌هایش با مجله نیویورکر می‌شناسیم، که مقاله «The Fly and Fly-Bottle» برای اولین بار آن‌جا منتشر شده است.

۵ همان: ۱۴۷.

۶ این مصاحبه‌ها (به جز آن که با پیتر برک انجام گرفته است) برای اولین بار به صورت مختصر در روزنامه‌های بزرگ و پس از آن در کتابی با عنوان چهره‌های متعدد تاریخ: نه مصاحبه، در انتشارات آنسپ ساقو پاتولو، ۲۰۰۰ چاپ شده است.